

پیام دوازده

زیستن یک زندگی غلبه-کننده توسط سلطنت کردن در حیات
برای تبدیل شدن به اورشلیم نو به عنوان شهر حیات

مطالعه متون مقدس: رومیان ۵: ۱۰، ۱۷، ۲۱؛ ۱۴: ۱۷-۱۸؛

مرقس ۴: ۲۶-۲۹؛ لوقا ۱۷: ۲۱؛ متی ۲۴: ۱۴

۱. زندگی واقعی مسیحی، زندگی یک پیروزمند است، و همه پیروزمندان در عهد جدید باید پادشاهانی باشند که فراوانی فیض و عطاى عدالت را دریافت کرده اند تا در حیات سلطنت کنند - رومیان ۵: ۱۷:

آ. به عنوان پیامبران و کاهنان مقدر شده توسط خدا، ما پادشاهان نیز هستیم تا به خدا اجازه دهیم که در ما و از طریق ما بر تمام دشمنانش حکمرانی کند؛ ایمانداران در عهد جدید باید تحقق نمادشناسی پادشاهان، کاهنان و پیامبران در اقتصاد خدا باشند:

۱. در عهد جدید، همه ایمانداران نجات یافته اند تا پادشاهان و کاهنان باشند. وقتی که کاهنان برای خدا صحبت می کنند، سخنگوی خدا می شوند، بلندگوی خدا، و اینها پیامبران هستند - ۱ پطرس ۲: ۵، ۹؛ مکاشفه ۱: ۶؛ ۲: ۲۰؛ ۳: ۵-۵؛ ۱ قرنیتیان ۱۴: ۱۲، ۲۴-۲۵، ۳۱.

۲. نبوت کردن (مسیح را به درون مردم سخن گفتن) ما را پیروزمندان می کند؛ نبوت کردن، عملکرد پیروزمندان است - آ. ۴ب؛ ۱ پطرس ۴: ۱۰-۱۱؛ اعمال ۵: ۲۰ و زیرنویس ۲.

ب. اگر در زندگی مسیحی خود، ما به سطح یک پادشاه نرسیده باشیم، هنوز پایین تر از معیار مناسب هستیم؛ شاید بگوییم که از مسیح مسرت می بریم، اما تا چه درجه، تا چه حد، از مسیح مسرت می بریم؟

پ. مسرت ما از مسیح ممکن است فقط «یک اینچ» باشد، اما مسیح نامحدود است؛ مسرت ما از مسیح باید به سطح مقام پادشاهی برسد؛ ما نیاز به دریافت فیض از پی فیض داریم تا حدی که فیض در ما سلطنت کند تا بتوانیم مباشران نیکوی فیض گوناگون خدا باشیم - فیلیپیان ۳: ۱۳؛ یوحنا ۱: ۱۶؛ رومیان ۵: ۲۱؛ ۱ پطرس ۴: ۱۰؛ افسسیان ۳: ۲.

ت. نجات کامل خدا این است که ما در حیات مسیح نجات یابیم تا در این حیات، توسط فراوانی فیض و عطاى عدالت، سلطنت کنیم (رومیان ۵: ۱۰، ۱۷، ۲۱). عطاى عدالت، بازخرید قضایی خداست که به طور عملی در مورد ما اعمال می شود. فیض، خود خدا به عنوان تأمین تماماً کافی برای نجات ارگانیکی ما است.

۲. مکاشفه، آخرین کتاب کتاب-مقدس، کتابی در مورد پیروزمندان است؛ در باب های ۲ و ۳، خداوند به ما، ایمانداران خود، اولاد روحانی پدر بزرگ ما ابراهیم، دعوتی هفت برابر ارائه می دهد تا پیروزمندان او باشیم (۲: ۷، ۱۱، ۱۷، ۲۶؛ ۳: ۵، ۱۲، ۲۱)، همان کسانی که تمام هرج و مرج شیطانی را فتح می کنند (ر.ک. کولسیان ۱: ۱۷ ب، ۱۸ ب، ۱۰) و در اقتصاد الهی ظفر می یابند (رومیان ۸: ۳۷؛ ۲ قرننیا ۲: ۱۴):

آ. از نقطه نظر خدا، چهار نژاد اصلی از مردم وجود دارد: نژاد آدم، نژاد ابراهیم بر حسب جسم (پیدایش ۱۳: ۱۶)، نژاد ابراهیم بر حسب روح (۱۵: ۵؛ غلاطیان ۳: ۷، ۲۹)، و نژاد پیروزمندان؛ ما باید با بکار بردن روح ایمان خود اعلام کنیم که به نژاد پیروزمندان تعلق داریم (۲ قرننیا ۴: ۱۳).

ب. کتاب مکاشفه به ما نشان می دهد که بدون پیروزمندان، مسیح راهی برای بازگشت ندارد؛ ما می دانیم که مسیح راه ماست (یوحنا ۱۴: ۶ آ)، ولی مسیح از اعماق قلبش به پیروزمندان می گوید که آنها راه او هستند؛ پیروزمندان همان راه برای بازگشت مسیح هستند (مکاشفه ۱۹: ۷-۹؛ مزامیر ۴۵: ۱۳-۱۴).

پ. بگذار خدا تو را برکت دهد تا امروزه تو را یک پیروزمند گرداند، تا زندگی ای را زیست کنی که همان زندگی برای سلطنت باشد؛ این برکت منحصر به فرد، برکت جاودان خدای سه-یکتاست که خود را در ما، برای مسرتمان، توزیع می کند - اعدا ۶: ۲۲-۲۷؛ ۲ قرننیا ۱۳: ۱۴؛ افسسیان ۱: ۳؛ غلاطیان ۳: ۱۴.

۳. برای اینکه بتوانیم در حیات سلطنت کنیم تا پیروزمندان خداوند باشیم، باید ببینیم که ما با یک حیات الهی، روحانی، آسمانی، شاهانه و سلطنتی تولد تازه یافته ایم. خداوند گفت: «همچنین ملکوت خدا مانند کسی است که تخم بر زمین بی-افشانند» - مرقس ۴: ۲۶؛ ۱ یوحنا ۳: ۹:

آ. این بذر، بذر حیات الهی است (آ. ۹؛ ۱ پطرس ۱: ۲۳) که در ایمانداران کاشته شده است؛ این نشان می دهد که پادشاهی خدا که نتیجه و هدف انجیل خداوند است، و کلیسا در این عصر (رومیان ۱۴: ۱۷)، موضوع حیات هستند، حیات خدا که جوانه زده، رشد می کند، میوه می دهد، بالغ شده و برداشت می شود (۱ قرننیا ۳: ۶-۹؛ مکاشفه ۱۴: ۴، ۱۵-۱۶).

ب. پادشاهی خدا خود مسیح است (لوقا ۱۷: ۲۱)؛ به عنوان خدای سه-یکتا در انسانیت (کولسیان ۲: ۹)، او همان بذر، «ژن» پادشاهی خداست که باید در برگزیدگان خدا کاشته شود تا بتواند در آنها رشد کند، در آنها زندگی کند و از درون آنها ابراز شود تا به قلمرو حکمرانی خدا تبدیل شوند (مرقس ۴: ۲۶-۲۹؛ ۱ قرننیا ۳: ۹).

پ. عنصر نهادی کل تعلیم عهد جدید این است که خدای سه-یکتا جسم پوشید تا

رئوس مطالب مطالعه شفاف سازی

در مردم برگزیده اش کاشته شود، و در درون آنها به صورت یک پادشاهی، توسعه یابد؛ هدف خدا توسعه کامل پادشاهی خداست:

۱. در اناجیل، ما کاشت بذر یا ژن پادشاهی را داریم - مرقس ۴: ۳، ۱۴؛ متی ۹: ۳۵.

۲. در اعمال رسولان، ما پخش و گسترش این کاشت را توسط هزاران برزگر داریم که بذر، ژن پادشاهی را دریافت کرده بودند - ۶: ۶؛ ۷: ۱۲؛ ۱۲: ۲۴؛ ۱۹: ۲۰.

۳. در رساله ها، ما شاهد رشد بذر، ژن پادشاهی هستیم - ۱ قرن تیان ۳: ۶، ۹؛ ۲ پطرس ۱: ۳، ۱۱.

۴. برداشت این بذر، در کتاب مکاشفه با درو کردن نوبرها و محصول یافت می شود - ۱۴: ۴، ۱۵-۱۶؛ مرقس ۴: ۲۹؛ متی ۱۳: ۳۹.

۵. پادشاهی هزاره، نهایت توسعه بذر، ژن پادشاهی خواهد بود با آن پسر به عنوان پادشاه و همه پیروزمندان به عنوان هم-پادشاهان او، همان «مردم ژن پادشاهی» - مکاشفه ۲۰: ۶.

۶. اورشلیم نو، پادشاهی جاودان خدا، کاملترین توسعه بذر، ژن پادشاهی است، که توسط عیسی ناصری در چهار انجیل کاشته شد - مکاشفه ۲۱: ۲؛ ۲۲: ۱، ۳، ۵؛ ۵: ۱۰؛ ۳: ۱۲؛ ۱۱: ۱۵؛ ۱۹: ۶؛ ۲۰: ۶؛ مزامیر ۱۴۶: ۱۰.

۷. ما باید با خداوند یک باشیم تا برای پخش و توسعه بذر، ژن پادشاهی، جهت پایان دادن به این عصر، انجیل پادشاهی را به کل عالم موعظه کنیم - متی ۲۴: ۱۴.

۴. در تجربه، سلطنت کردن در حیات به معنای تحت حکمرانی حیات الهی بودن است:

آ. مسیح با قرار گرفتن تحت حکمرانی حیات الهی پدر، الگوی سلطنت در حیات است - ر.ک. ۸: ۵-۱۳.

ب. پولس نمونه ای از کسی است که در زندگی و خدمتگزاری خود، تحت حکمرانی الهی بود - ۲ قرن تیان ۲: ۱۲-۱۴.

پ. نیاز به همه ایماندارانی است که فراوانی فیض و عطای عدالت را برای تمرین تحدید و محدودیت در حیات الهی، دریافت کرده-اند؛ یک زندگی تحت حکم پادشاهی، زندگی-ای پر از عدالت، آرامش و شادی در روح القدس است؛ این گونه زیستن، خدمت کردن به مسیح به عنوان یک غلام است، و یک چنین زندگی-، برای خدا پسندیده است و مورد تأیید انسانها می باشد - رومیان ۱۴: ۱۷-۱۸؛ ر.ک. ۱ قرن تیان ۱۲: ۳.

۵. تثنیه آشکار می کند که یک پادشاه مناسب، اول باید توسط کلام خدا آموزش داده شده، حکومت شده، حکم و کنترل می شد (۱۷: ۱۴-۱۵، ۱۸-۲۰)؛ همین اصل

باید در مورد ارشدان در کلیساها و همه ما که آرزوی سلطنت در حیات را داریم یکسان باشد (۲ تیموتائوس ۳: ۱۴-۱۷):

آ. برای اداره و مدیریت کلیسا، ارشدان باید با کلام خدا بازساخت شوند (۱ تیموتائوس ۳: ۲؛ ۵: ۱۷)؛ در نتیجه، آنها تحت حکومت، تحت حکم و کنترل خدا خواهند بود.
ب. سپس خودبخود، خدا در تصمیمات آنها خواهد بود، و ارشدان برای اداره امور کلیسا، خدا را نمایندگی خواهند کرد؛ این نوع مدیریت، تئوکراسی [خدا سالاری، حکومت خدا] است.

پ. تحت رهبری عزرا و نحمیا، مردم بازگردانده شده اسرائیل، جمعاً توسط و با خدا از طریق کلام او بازساخت شده بودند تا ملتی به عنوان شهادت خدا باشد؛ بازسازی مردم خدا به معنای تعلیم آنها با قرار دادن آنان در کلام خداست تا بتوانند از کلام اشباع شوند - نحمیا ۸: ۱-۱۸.

ت. کلام خدا با روح یک است (یوحنا ۶: ۶۳؛ افسسیان ۶: ۱۷)؛ از طریق خواندن روزانه ما از کلام الهی، کلام خدا در درون ما کار می کند، و آن روح از طریق کلام، خود بخود طبیعت خدا را با عنصر خدا در وجود ما توزیع کرده، باعث می شود با خدا ساخته شویم.

۶. برای سلطنت در حیات، ما همچنین نیاز داریم که تحت فرمانروایی روح باشیم؛ روایت زندگی یوسف مکاشفه ای از فرمانروایی روح است، زیرا فرمانروایی روح، جنبه سلطنت کننده یک مقدس بالغ است؛ این یک زندگی سلطنت کردن در حیات، و بودن تحت تحدید و محدودیت حیات الهی در واقعیت پادشاهی خدا بوده، و بالاتر از هر جنبه دیگری از روح است - رومیان ۵: ۱۷، ۲۱؛ ۱۴: ۱۷-۱۸؛ ۱ قرنتیان ۲: ۱۵-۱۶؛ ۲ قرنتیان ۲: ۱۳-۱۴؛ ۳: ۱۷-۱۸؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۲۲؛ مکاشفه ۴: ۱-۳:

آ. یوسف، «صاحب خوابها» (پیدایش ۳۷: ۱۹)، خواب دید که بر طبق نگرش خدا، مردم او [خدا] بافه هایی از گندم پر از حیات، و اجسام آسمانی پر از نور هستند (آ. ۵-۱۱)؛ دو خواب یوسف (آ. ۷، ۹)، هر دو از جانب خدا، نگرش الهی خدا را برای او در مورد طبیعت، موقعیت، عملکرد و هدف مردم خدا بر روی زمین، فاش کرد.

ب. خوابهای یوسف زندگی او را کنترل کرده و رفتار او را هدایت می کرد؛ او رفتاری بسیار عالی و شگرف داشت چرا که با بینشی که در خوابهای خود دید هدایت شد (ر. ک. اعمال ۲۶: ۱۹)؛ برادرانش خشم خود را ابراز کردند (پیدایش ۳۷: ۱۸-۳۱) و به شهوت خود پرداختند (۳۸: ۱۵-۱۸)، ولی یوسف خشم خود را فرو نشاند و بر شهوت خود غلبه کرد (۳۹: ۷-۲۳)، و به عنوان بافه ای پر از حیات، مانند ستاره ای آسمانی که در تاریکی می درخشد رفتار کرد.

پ. زندگی یوسف تحت بینش آسمانی، زندگی پادشاهی آسمانها بود که در متی ۵-۷ توصیف شده است؛ با زیستن یک چنین زندگی، او کاملاً برای سلطنت به عنوان یک پادشاه آماده بود؛ بر طبق ساختار پادشاهی آسمانی که در این باب ها در متی آشکار شده است، خشم ما باید مهار شود، و شهوت ما باید فتح گردد (۵: ۲۱-۳۲).

ت. به عنوان نماینده جنبه حاکم حیات بالغ، یوسف از حضور، و همراه با آن، اقتدار، سعادت و برکت خداوند مسرت می برد - پیدایش ۳۹: ۲-۵، ۲۱، ۲۳؛ اعمال ۷: ۹.

ث. گرچه یوسف سرشار از احساسات و عواطف انسانی نسبت به برادرانش بود، اما خود را با تمام احساساتش تحت فرمانروایی روح نگه داشت؛ او خودش را انکار کرد و خود را به طور مطلق تحت رهبری حاکم خدا قرار داده، کاملاً به نفع خدا و مردم او رفتار می کرد - پیدایش ۴۲: ۹، ۲۴؛ ۴۳: ۳۰-۳۱؛ ۴۵: ۱-۲، ۲۴.

ج. یوسف یک تصویر زنده است از آنچه در عهد جدید آشکار شده است؛ او شخصی بود که خود را انکار می کرد، کسی که هیچ منافع خود، مسرت خود، حس خود، جاه طلبی خود یا هدف خود را نداشت؛ همه چیز برای خدا و برای مردم خدا بود. انکار خود توسط یوسف، محدودیت او تحت دست مقتدر خدا، کلید تمرین زندگی پادشاهی بود - آ. ۲۴؛ متی ۱۶: ۲۴؛ ۲ تواریخ ۱: ۱۰؛ اشعیا ۳۰: ۱۵؛ فیلیپیان ۱: ۹؛ ۱ تیموتائوس ۵: ۱-۲؛ ۱ تسالونیکیان ۳: ۱۲، ۴: ۹؛ ۲ تسالونیکیان ۱: ۳؛ رومیان ۱۲: ۱۰؛ ۱ یوحنا ۴: ۹؛ عبرانیان ۱۳: ۱.

چ. یوسف پی برد که این خدا بود که او را به مصر فرستاد؛ در پیدایش ۵۰: ۲۰ او به برادرانش گفت: «شما درباره من بد اندیشیدید، لیکن خدا از آن، قصد نیکی کرد» (۴۵: ۵، ۷؛ ۵۰: ۱۹-۲۱؛ ر.ک. ۴۱: ۵۱-۵۲). این واقعیت سخنان پولس در رومیان ۸: ۲۸-۲۹ است. یوسف هرآنچه برادرانش با او کرده بودند را از جانب خدا دریافت کرد، و کسانی را که او را رنجانده بودند تسلی داد (پیدایش ۴۵: ۸-۵؛ ۵۰: ۱۵-۲۱)؛ او چه فیضی، و چه روح فوق-العاده-ای داشت!

ح. ما باید از «تلسکوپ الهی» استفاده کنیم تا آن سوی زمان را دیده و بر اورشلیم نو، جایی که چیزی بجز بافه های پُر حیات و ستارگان پر نور وجود ندارد، بنگریم؛ ما هر چه بیشتر در حیات بالغ می شویم، کمتر در مورد مقدسین یا کلیسا صحبت منفی خواهیم کرد - ر.ک. ۳۸: ۲۷-۳۰؛ متی ۷: ۱-۵؛ ۱ پطرس ۳: ۸-۹.

۷. ما باید هدف سلطنت در حیات را ببینیم و به آن برسیم؛ وقتی در زندگی سلطنت کرده، تحت حکم حیات الهی زیست می کنیم، نتیجه، زندگی واقعی و عملی بدن است که در زندگی کلیسای ابراز می شود - رومیان ۱۲: ۱-۴، ۹-۱۲، ۱۵-۱۸؛ ۱۴: ۱-۹؛ ۱۵: ۱-۱۳:

آ. ما به عنوان کسانی که به مسیح ایمان آورده ایم، به ملکوت پسر محبت خدا منتقل شده‌ایم، و در زندگی کلیسایی، محبت غالب است (کولسیان ۱: ۱۲-۱۳)؛ بدن، خود را در محبت بنا می‌کند (۱ قرن‌تیا ۸: ۱؛ افسسیان ۱: ۴؛ ۳: ۱۷؛ ۴: ۲، ۱۶-۱۵؛ ۵: ۲) و محبت عالی‌ترین راه برای بودن ما و کار ما جهت بناسازی کلیسا به عنوان بدن ارگانیک مسیح است (۱ قرن‌تیا ۱۲: ۳۱؛ ۱۳: ۴-۱۸).

ب. اگر ما مسیح را به عنوان عشق و محبت نداشته باشیم، تمام صحبت‌های ما مانند «نحاس صدا-دهنده» و «سَنج فغان‌کننده» است، که صداهایی بدون حیات می‌دهند - آ. ۱.

پ. زندگی کلیسایی، یک ایستگاه پلیس یا یک دادگاه قانونی نیست، بلکه خانه-ای با محبت برای بزرگ کردن فرزندان روحانی، بیمارستانی برای شفا و بازیابی بیماران، و مدرسه-ای برای تعلیم دیگران در محبت است - متی ۹: ۱۲؛ ۲ قرن‌تیا ۱۱: ۲۹؛ یوحنا ۸: ۷، ۱۰-۱۱؛ ۱ قرن‌تیا ۹: ۲۲؛ لوقا ۱۵: ۱-۷.

۸. وقتی در حیات سلطنت می‌کنیم، به مسیح ساکن در درون به عنوان فیض اجازه می‌دهیم که در درونمان «تا حیات جاودانی» سلطنت کند؛ این تکمیل سلطنت در حیات است - عبرانیان ۴: ۱۶؛ رومیان ۵: ۱۷، ۲۱:

آ. یوحنا ۴: ۱۴ ب می‌گوید: «آن آبی که به او میدهم در او چشمه‌آبی گردد که تا حیات جاودانی می‌جوشد».

ب. «تا» («برای» در رومیان ۵: ۲۱) از مقصد صحبت می‌کند. حیات جاودان، مقصد خدای سه-یکتای جاری است؛ «تا [در]» نیز به معنای «شدن» یا «بودن» است.

پ. با مسرت بردن از خدای سه-یکتای جاری - پدر به عنوان سرچشمه حیات، پسر به عنوان چشمه حیات، و روح به عنوان نهر حیات - ما فراوانی فیض را دریافت می‌کنیم تا به اورشلیم نو به عنوان مجموع حیات خدا، شهر حیات تبدیل شویم. از این رو، نتیجه و تکامل سلطنت کردن ما در حیات، باید به طور منحصر به فرد و نهایی، هدف اقتصاد جاودان خدا - اورشلیم نو - باشد.